روزنامه شرق

«صلاح‌الدین دمیرتاش» رهبر حزب «دموکراتیک خلق‌ها»ی ترکیه:

به دنبال صلح حتی با «پ‌ک‌ک» هستیم

«صلاح‌الدین دمیرتاش» رهبر حزب «دموکراتیک خلق‌ها»ی ترکیه که حزبش همواره از سوی دولت آنکارا به ارتباط با حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک) متهم می‌شود، می‌گوید حزب دموکراتیک‌خلق‌ها به‌هیچ‌وجه شاخه سیاسی حزب کارگران کردستان نیست و ماحصل ائتلاف بیش از ۲۰ سازمان است. او که اکنون در زندان‌های ترکیه به سر می‌برد، در گفت‌وگو با «پیر باربانسی»، فرستاده ویژه در استانبول که در روزنامه «هیومانیته» منتشر شده، تأکید می‌کند که این حزب به دنبال تحقق صلح است و در این راه هدف آن است که به کل جامعه و کشور بگوییم که یک راه و چندین راه برای صلح امکان‌پذیر است. بدیهی است که می‌خواهیم با همین قصد و نیت و بر همین اساس به سراغ حزب کارگران کردستان هم برویم و به آنها بگوییم دست خود را از روی ماشه بردارید و بر راه صلح اصرار ورزید. متن این گفت‌وگو را که یک بار از زبان فرانسه از سوی «منصور تیفوری» به کردی و بار دیگر به فارسی ترجمه شده است، در ادامه می‌خوانید.

جناب دمیرتاش، مطلع هستید در ماه ژوئن انتخابات پارلمانی برگزار شد و حزب «دموکراتیک‌خلق‌ها» بیش از ۱۳ درصد از آرا را به دست آورد و بر این اساس ۸۰ کرسی پارلمانی را از آن خود کرد. امروز قدرت حاکم ترکیه تحت لوای جنگ علیه «تروریست‌ها» مواضع و اردوگاه‌های حزب کارگران کردستان را بمباران می‌کند و به کشتار روزانه مردمان عادی و غیرنظامیان می‌پردازد. از سوی دیگر، علیه شما و همچنین ریاست مشترک حزبتان، در دادگاه اقامه دعوی شده؛ روندی که منجر به وضع کنونی شده را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در حقیقت خشونت‌ها در هنگامه کمپین انتخاباتی و همیاری‌های مردمی مرتبط با آن بود که آغاز شد. حملات علیه حزب ما به صورت گسترده و همه‌جانبه و در اشکال مختلف صورت گرفت، به صورتی که مجموعه این حملات به رقمی نزدیک به ۱۷۰ مورد رسیده بود و این روند ادامه داشت تا اینکه در دو بمب‌گذاری در میتینگ انتخاباتی‌مان در تاریخ پنجم ماه ژوئن سال گذشته در شهر «دیاربکر» شدت یافت و وارد مرحله جدیدی شد. این در حالی بود که سازمان ما در دو شهر «مرسین» و «دوبایزید» هم به همان صورت مورد حمله قرار گرفته بود. بنابراین ایجاد همیاری و کمپین خشونت از جانب حزب «عدالت و توسعه» موضوع تازه‌ای نیست. اما این حملات و اعمال خشونت علیه حزب دموکراتیک خلق‌ها مؤثر نیفتاد.

همان‌گونه که شما نیز اشاره داشتید، حزب دموکراتیک‌خلق‌ها در مجموع ۱۳ درصد از آرا را از آن خود کرد و این نشان‌دهنده تضعیف جریان عدالت و توسعه است. آنچه اکنون در جریان است به‌خوبی عدم التزام «آک‌پارتی» (حزب عدالت و توسعه) را به نتایج انتخابات نمایان می‌کند و اینکه مردم ترکیه و رأی آنان برای آنها به‌هیچ‌وجه محترم نیست. اکنون نیز با اعلام جنگ درصدد بازپس‌گیری آرایی است که از کف داده. شما ببینید همین دولت کنونی به دلیل نداشتن اکثریت پارلمانی و در نتیجه آن نداشتن هیچ جبهه متحد، به نوعی رفتار می‌کند که گویا به‌تنهایی و بدون نیاز به هیچ همراهی توان و صلاحیت اداره کشور را به خوبی دارد. حزب عدالت و توسعه درصدد القای این پیام به گوش مردم است که اگر آک‌پارتی به‌تنهایی اجازه نیابد کشور را اداره کند، ضمانتی برای امنیت کشور نخواهد بود. آنها می‌خواهند انتخابات آینده را در همین حال و هوا برگزار کنند.

حزب دموکراتیک‌خلق‌ها در مواجهه با استراتژی قدرت «رجب اردوغان» رئیس‌جمهوری ترکیه، چه چاره‌ای خواهد اندیشید و به چه شکل از طرح تله‌گونه کنونی رها می‌شود؟

این حملات در عمل مترصد به‌تله‌انداختن ماست. اما ما درست به همان نحوی که ماهیتمان، تمامی اعلانات و خطاب‌هایمان نیز صلح‌طلبانه هستند، به دنبال صلح هستیم. ما به‌صراحت خواهیم گفت که دست‌بردار صلح نخواهیم شد؛ ما بر این مشی متعهد خواهیم ماند. ما به صورت شفاف هر دو طرف را خطاب قرار داده‌ایم که جنگ را پایان دهید. ما آشکارا رو به مردم، پرده از مناسبات جنگ‌سالارانه دولت برخواهیم داشت. مطمئنا بخش زیادی از مردم خوب می‌دانند جنگی که اردوغان به راه انداخته، با این انگیزه است که دوباره قدرت را در دست بگیرد.

تنها راه توقف جنگ این است که دلایل حقیقی جنگ عیان شود. بر همین اساس ما درصدد هستیم تا تجمعات گسترده و فراگیر برای صلح برگزار کنیم. ما امیدواریم مادران جان‌باختگان حزب کارگران کردستان و همچنین مادران جان‌باختگان پلیس، فعالانه خواستار توقف جنگ شوند و همچنین از روشنفکران، سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی همین خواسته را داریم و نیز در تلاشیم کانال‌ها و رسانه‌های ملی و بین‌المللی را به کمک در کارزار «نه به جنگ» به یاری طلبیم. ما با نیل به این هدف و عطف به این سمت و سو، با بسیاری از جریانات و گروه‌های مجزای درون جامعه از کارگران، زنان، صاحبان مشاغل و کارفرمایان تا گروه‌های روشنفکری و جوانان به گفت‌وگو و مراوده خواهیم نشست. در این راه هدف این است که به کل جامعه و کشور بگوییم که یک راه و چندین راه برای صلح امکان‌پذیر است. بدیهی است با همین قصد و نیت و بر همین اساس به سراغ حزب کارگران کردستان هم برویم و به آنها بگوییم دست خود را از روی ماشه بردارید و بر راه صلح اصرار ورزید.

ترکیه کشور مهمی برای ناتو و اعضایش به حساب می‌آید. بدیهی است ناتو نمی‌خواهد ترکیه را از دست دهد و بر همین اساس از تمامی سیاست‌ها و جنایات‌شان چشم‌پوشی خواهد کرد. اصلا چه کسی می‌تواند مدعی شود که ناتو نهادی است برای صیانت از حقوق بشر و دموکراسی. ناتو نیروی محافظ سرمایه‌داری و نیروها و دولت‌های امپریالیستی است

دولت ترکیه بر آن است تا به‌گونه‌ای وانمود کند و بقبولاند که حزب دموکراتیک‌خلق‌ها چیزی نیست جز شاخه سیاسی حزب کارگران کردستان و تمام فرامین نیز از جانب آنهاست که می‌آید. چه رابطه‌ای می‌تواند بین حزب دموکراتیک‌خلق‌ها و پ‌ک‌ک باشد؟

حزب ما به‌هیچ‌وجه شاخه سیاسی حزب کارگران کردستان نیست. حزب ما ماحصل ائتلاف بیش از ۲۰ سازمان است. در میان هیئت مؤسسان حزب دموکراتیک خلق‌ها، اعضای حزب سوسیالیست، جنبش‌ها و جریانات اسلامی، اعضای جنبش‌های حقوق زنان، جریانات زیست‌محیطی و حتی بنیان‌گذار حزب «اقلیم‌های دموکراتیک» (D.B.P) نیز حضور دارد. گسترش این تفکر میان مردم که حزب دموکراتیک خلق‌ها، در امتداد حزب کارگران کردستان است، چیزی جز یک فریب توده‌ای نیست.

به نظر شما چه رویکردی باید اتخاذ کرد؟

به لحاظ تاریخی تمام فرایندهای صلح در سرتاسر جهان، توقف و تداوم را با خود به همراه داشته‌اند. فرایند صلح ما اگر از سر گرفته شود- چیزی که آرزوی تمامی ماست- ضرورتا می‌باید در سطح دیگری دنبال شود. مناقشات باید در حضور یک جریان سوم مطرح شود و افکار عمومی نیز باید در جریان تمامی گفت‌وگوها باشند.

بدون هیچ قید و شرطی و به صورت شفاف، باید وضعیت نامناسب نگهداری «عبدالله اوجالان»، رهبر حزب کارگران کردستان، تغییر یابد و ضروری است او به طور کامل با مردم در ارتباط باشد. گرفتن چنین تصمیمی کار شاق و چندان سختی نیست. پیش‌شرط آن بی‌شک اعلام آتش‌بس از طرف دولت و همچنین حزب کارگران کردستان است. دیگر اینکه آیا ممکن خواهد بود بدون قوانین شفاف و موجز به انتظار بازگشت مبارزان کرد به صورت یک‌جانبه به داخل کشور یا زمین‌گذاشتن اسلحه‌هایشان نشست؟

تحلیل شما از نحوه تعامل و مواجهه دولت ترکیه با «داعش» و به طور کلی‌تر سیاست‌های آنکارا در چارچوب و بستر کلی منطقه چیست؟

در این رابطه می‌بینیم که تنها بعد از فشار جریانات داخلی و محافل بین‌المللی است که دولت ترک ملزم به اعلام موضع شد. اما بی‌شک خواست دولت در حقیقت این نبوده است. سیاست‌های نادرست حزب عدالت و توسعه و حمایت‌های حکومتی، داعش را قدرتمند کرد؛ گروهی که هیچ‌گاه مانند دشمن قلمداد نشده است. دولت ترک صرفا با این هدف که بتواند پشتیبانی بین‌المللی را با خود داشته باشد، دستور حمله علیه مواضع داعش را داد، اما این یورش در واقع صرفا اقدامی علیه حزب کارگران کردستان بود. اینجا قصد و نیت غایی آن است که فرصتی برای تجدید قوا به داعش که در روژآوا زمینگیر شده، داده شود.

ناتو پس از حملات دولت ترک، از اردوغان حمایت کرد. آنها در واقع چک سفیدامضا به او داده‌اند، از نظر شما چنین چیزی عجیب نیست؟

این نوع همکاری، به غایت جزئی و محدود نیست. ترکیه کشور مهمی برای ناتو و اعضایش به حساب می‌آید. بدیهی است ناتو نمی‌خواهد ترکیه را از دست دهد و بر همین اساس از تمامی سیاست‌ها و جنایات‌شان چشم‌پوشی خواهد کرد. اصلا چه کسی می‌تواند مدعی شود که ناتو نهادی است برای صیانت از حقوق بشر و دموکراسی. ناتو نیروی محافظ سرمایه‌داری و نیروها و دولت‌های امپریالیستی است. به همین خاطر است که ناتو چنین تصمیمی می‌گیرد. حال اعضای ناتو نیک می‌دانند که تضعیف حزب کارگران کردستان، برایندی جز قدرت‌گیری داعش نخواهد داشت.

به نظر شما فرانسه می‌تواند در این بزنگاه حساس، نقشی ویژه ایفا کند؟

کشور و دولت فرانسه از کشورهایی بوده‌اند که ضمن اذعان به توحش داعش، درصدد افشا و علنی‌کردن آن برآمده‌اند. فرانسه به‌خوبی از تهدید داعش آگاه است. به همین خاطر است که رابطه نزدیکی با حزب «اتحاد دموکراتیک» دارد. جنگی که هم‌اکنون در ترکیه درگرفته است، ناظر بر منافع داعش و علیه دموکراسی است. ما به یک چیز باور داریم؛ اگر مردم فرانسه در این کارزار به پشتیبانی از صلح به میدان آیند و در حمایت از گفت‌وگوهای صلح صحبت کنند، ما دوباره خواهیم توانست بر پروسه صلح پای بفشاریم. این یک مشارکت حقیقی در جریان صلح خواهد بود.

حرکت اقتصادی تحسین‌برانگیز ترک‌ها

هارون یحیی . ترجمه: علی کوشکی

تحولات اخیر ترکیه این کشور را در کانون توجه جهانیان قرار داده است. از جمله این رخدادها می‌توان به مواردی مانند کودتای نافرجام ۱۵ جولای و شرایط اضطراری بعد از آن، عملیات موسوم به سپر فرات در سوریه و تلاش حزب عدالت و توسعه برای تغییر قانون اساسی این کشور در راستای افزایش اختیارات ریاست‌جمهوری اشاره کرد. صرف‌نظر از همه این تغییر و تحولات، به تازگی اوضاع اقتصادی ترکیه عملکرد بی‌سابقه‌ای از خود به نمایش گذاشت به نحوی که تنها در چند روز ارزش دلار آمریکا در مقابل لیر ترکیه ۳.۶ درصد افزایش پیدا کرد و سپس به ۳.۳ درصد کاهش پیدا کرد.

در ابتدا تحلیلگران سیاسی و اقتصادی این افزایش ناگهانی و نیز کاهش چشمگیر بعد از آن را ناشی از عواملی مانند انتخاب دونالد ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور بعدی آمریکا و افزایش نرخ بهره از طرف فدرال‌رزرو این کشور می‌دانستند. همچنین از دیدگاه این مفسران، ترکیه تنها کشوری نبود که متأثر از این تحولات به‌عنوان پیامد شرایط کنونی اقتصاد جهانی شد.

چالش‌های اقتصادی ترکیه در کنار نوسان پول ملی این کشور ناشی از موقعیت سوق‌الجیشی آن نیز هست. نباید فراموش کرد اقتصاد برخلاف رشته‌های دیگر همچون فیزیک شاخه‌ای از علم نیست که مبتنی بر حقایق باشد اگرچه تحلیل‌های اقتصادی بر داده‌های آماری و ریاضی استوار است. موفقیت سیاست‌های پولی و مالی متأثر از متغیرهای بسیار زیاد دیگری مانند سیاست و عوامل اجتماعی است. برای نمونه، با توجه به شرایط نابسامان کشورهای همسایه و دیگر نقاط جهان، آینده چندان روشنی متصور نمی‌شود. از جمله این چالش‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تهدید جدی حزب کارگران کردستان علیه ترکیه در نواحی جنوب شرقی این کشور
- درگیری‌های طولانی‌مدت در سوریه و عراق
- ادامه بحران اوکراین
- موقعیت اقتصادی بسیار بد بلغارستان
- تلاش یونان برای نجات از بحران به کمک اتحادیه اروپا

در کنار تمام این بحران‌ها، ترکیه هم‌اکنون پذیرای بیش از سه میلیون مهاجر سوری است که از مناطق جنگ‌زده فرار کرده‌اند. این در حالی است که در مقایسه با کشورهای دیگر که از پذیرفتن آوارگان سوری امتناع ورزیدند، ترکیه از منابع و امکانات اقتصادی به‌نسبت کمتری برخوردار است. دولت ترکیه با آغوشی باز از آوارگان سوری استقبال و تا به حال بیش از ۲۷ میلیارد دلار صرف آنها کرده است. در مارس ۲۰۱۶، ترکیه و دول عضو اتحادیه اروپا به توافقی دوجانبه درباره آوارگان سوری رسیدند. در نتیجه این توافق، اتحادیه اروپا پذیرفت در سه سال آینده شش میلیارد یورو برای کمک به این آوارگان به ترکیه بپردازد. درهمین‌راستا، چاووش‌اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه، به منظور بررسی لغو روادید برای شهروندان ترکیه در منطقه شنگن با اعضای اتحادیه اروپا در هفت دسامبر دیدار کرد. به احتمال زیاد، این موافقت‌نامه که برای سیاست خارجی ترکیه و اقتصاد آن نتایج بسیار مثبتی به دنبال خواهد داشت، تا پایان این سال نهایی خواهد شد.

ادامه در صفحه ۱۲

یادداشت

ترکیه در مرکز حوادث تروریستی

در پی حمله مسلحانه مرگ‌بار به کلوب شبانه‌ای در استانبول، کارشناسان امنیتی اعلام کردند حملات تروریستی در ترکیه در سال ۲۰۱۷ ادامه خواهد یافت.

پس از کودتای نافرجام در ترکیه در ماه جولای، دولت یک عملیات نظامی را در شمال سوریه برای پاک‌سازی مرزهایش از نیروهای داعش آغاز کرد. همچنین ترکیه عملیات خود را علیه شبه‌نظامیان کُرد در جنوب شرقی کشور و در شمال عراق گسترش داد. کارشناسان اعلام می‌کنند هم داعش و هم پ‌ک‌ک علیه ترکیه تهدیدزا هستند.

ترکیه و روسیه به‌تازگی توافق آتش‌بسی را میان دولت سوریه و نیروهای اپوزیسیون اعلام کردند. سوریه از سال ۲۰۱۱ درگیر جنگ است و این جنگ تأثیر مستقیمی بر امنیت ترکیه، به عنوان کشور همسایه می‌گذارد. از سوی دیگر، ارتش عراق به دنبال بازپس‌گیری کنترل موصل از داعش است.

آنکارا شرایط حاکم بر موصل را به عنوان تهدیدی برای امنیت ملی خود می‌داند و به همین دلیل، به دنبال نقش بیشتر در عملیات موصل است.

نیهات علی اوزجان، کارشناس امور امنیتی و پ‌ک‌ک و استاد دانشگاه اقتصاد و تکنولوژی TOBB در آنکارا می‌گوید: ۲۰۱۷، سال خوبی برای ترکیه نخواهد بود؛ زیرا اکوسیستم در منطقه به‌ویژه در عراق و سوریه، به‌سرعت در حال تغییر است.

همچنین بسیاری از سازمان‌های تروریستی در ترکیه فعال هستند که هم علیه دولت و مردم عملیاتی را انجام می‌دهند.

اوزجان می‌افزاید: اقدامات دولت بعد از کودتای ۱۵ جولای تهدیدات امنیتی ایجاد کرده است. برخی مشکلات در ارگان‌های دولتی که مسئول جلوگیری از این تهدیدات هستند، به وجود آمده است، بسیاری در ژاندارمری‌ها، پلیس و دستگاه‌های قضائی کشور تعلیق، اخراج یا بازداشت شده‌اند.

او اضافه کرد: دولت ترکیه برخی از دستگاه‌های مهم کشور را سیاسی کرده است. اگر همه این مسائل را در کنار هم قرار دهید، متوجه می‌شوید مشکل امنیتی درخور توجهی امسال در انتظار ماست.

همچنین مسعود هاک کی جاسین، استاد روابط بین‌الملل و کارشناس استراتژی امنیتی و تروریسم بین‌المللی گفت: وقوع حمله مسلحانه اخیر در استانبول درست پس از گذشت ساعاتی از اولین شب سال ۲۰۱۷، پیام کاملا مشخصی به همراه داشت. این پیام این بود که در سال ۲۰۱۷ تروریسم گریبانگیر ترکیه خواهد بود. این یک حمله کاملا سازماندهی و برنامه‌ریزی‌شده بود. برای اولین‌بار در ترکیه به یک مکان سرگرمی حمله شد.

ماه گذشته دو بمب در خارج از یک استادیوم ورزشی در استانبول منفجر شد که در این حادثه ۴۴ نفر کشته شدند.

همچنین انفجار یک خودروی بمب‌گذاری‌شده در قیصریه باعث کشته‌شدن دست‌کم ۱۳ نفر از نیروهای پلیس شد.

پس از بازداشت نمایندگان حزب دموکراتیک خلق، به‌ویژه صلاح‌الدین دمیرتاش، رهبر این حزب، تنش‌ها میان کردها و دولت ترکیه افزایش یافته است. اوزجان می‌گوید، وی انتظار دارد این حملات در بهار امسال افزایش یابد.

نگاه

بان؛ دبیرکلی متفاوت از سوریه تا پاریس

آغاز سال نو میلادی، پایان دوره کاری ۱۰ ساله «بان کی مون»، هشتمین دبیرکل سازمان ملل متحد بود. با پایان این دوره، کارشناسان و رسانه‌های انگلیسی‌زبان، ارزیابی‌های گوناگونی از موفقیت‌ها و شکست‌های دبیرکل پیشین ارائه کردند. در دوره کاری بان کی مون (از ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۷)، رخدادهای گوناگونی در جهان به وقوع پیوست که نیازمند ورود یا واکنش جدی سازمان ملل متحد و اظهارنظر دبیرکل به‌عنوان بالاترین مقام این سازمان بود.

بان تا پیش از دبیرکلی

خبرگزاری روسی «اسپوتنیک» در آخرین روز کاری دبیرکل پیشین سازمان ملل متحد درباره او نوشت: بان کی مون در سال ۱۹۴۴ در کره‌جنوبی متولد شد و در دوره نوجوانی برنده جایزه صلیب‌سرخ برای سفر به آمریکا شد. در سال ۱۹۷۰ از دانشگاه سئول فارغ‌التحصیل شد. او درجه استادی را در سال ۱۹۸۵ در رشته «مدیریت عمومی» از دانشگاه هاروارد دریافت کرد.

به نوشته اسپوتنیک، بان مدت‌ها در وزارت خارجه در مقام سفیر فعالیت کرد و حتی در دوره‌ای فرستاده این کشور در آمریکا و سازمان ملل بود.

بان پیش از دبیرکلی سازمان ملل، به‌عنوان وزیر خارجه و تجارت کره‌جنوبی منصوب شد. او چند دوره در گفت‌وگوهای هسته‌ای با کره‌شمالی شرکت داشت و نقش مهمی را در چهارمین دور گفت‌وگوهای شش‌جانبه در پکن ایفا کرد. بان در سال ۲۰۰۷ جایگزین «کوفی عنان» در سازمان ملل متحد شد.

خیز برای ریاست‌جمهوری

یکی از محورهایی که برخی رسانه‌های انگلیسی‌زبان به آن پرداخته‌اند میزان فعالیت‌های دبیرکل سازمان ملل در این مقام بود. وب‌سایت «کره تایمز» در گزارشی درباره پایان دوره مسئولیت بان نوشت: پنج سال دوم مسئولیت بان در سازمان ملل متحد تمام شد. او واکنش به چالش‌های جهانی را رها کرده و اکنون به ریاست‌جمهوری کره‌جنوبی فکر می‌کند.

از ابتدای سال ۲۰۰۷ که بان دبیرکل سازمان ملل شد، به هر گوشه‌ای از جهان سفر کرد. بان به ۱۵۴ کشور از ۱۹۳ کشور روی نقشه کره زمین رفت. دسترسی به ۳۹ کشور دیگر نیز دشوار بود و این دشواری‌ها مانع از سفر بان شد. کره‌شمالی نیز یکی از کشورهایی بود که بان به آن سفر نکرد. ازآنجاکه او چند بار به برخی از کشورها رفته، در مجموع ۵۵۹ سفر برایش ثبت شده است. بان برای این سفرها ۴.۸ میلیون کیلومتر راه پیمود.

کره تایمز در ادامه می‌نویسد: بان کی مون در همه دوره کاری خود بیشتر از ۳۴ هزار ملاقات انجام داده که ۱۷ هزار دیدار با رهبران کشورها و سازمان‌های بین‌المللی صورت گرفته است. همچنین او ۱۱ هزار سخنرانی، دو هزار مصاحبه و کنفرانس خبری و سه هزار گفت‌وگوی تلفنی انجام داده است. براین‌اساس دبیرکل سابق سازمان ملل روزانه ۱۰ دستورکار و ۳۱ دیدار داشته است.

بر اساس گزارش این وب‌سایت کره‌جنوبی، بان که خود را برای ریاست‌جمهوری کره‌جنوبی آماده می‌کند، میانه‌های ماه جاری میلادی به کره خواهد آمد.

هفته گذشته او از تمایلش برای ریاست‌جمهوری و تلاش برای پیشرفت کشورش سخن گفت. نظرسنجی‌ها در کره‌جنوبی هم بان را به‌عنوان یکی از افراد محبوب برای انتخابات سال آینده این کشور معرفی کرده‌اند.

موفقیت در پاریس و شکست در سوریه

ارزیابی رسانه‌های انگلیسی‌زبان از روندهای کاری و مواضع دبیرکل پیشین سازمان ملل، گویای ناکامی‌ها و پیروزی‌هایی است که در کارنامه بان به ثبت رسیده است. هفته‌نامه «فارین پالیسی» درباره بان کی مون و رخدادها در دوره مسئولیتش در سازمان ملل نوشت: موضوع سوریه، پیشرفت برنامه تسلیحات هسته‌ای کره‌شمالی، نسل‌کشی در سودان جنوبی، افزایش پناه‌جویان و رشد فعالیت تندروهای مذهبی و گسترش تروریسم در سراسر جهان، از مهم‌ترین چالش‌های کارنامه بان بود که در دوره بعد هم امتداد می‌یابد. یکی از مسائلی که ابراز تأسف دبیرکل پیشین سازمان ملل را به همراه داشت، شکست این سازمان در سوریه بود.

گزارش این هفته‌نامه به نقل از برخی سیاست‌مداران و کارشناسان سازمان ملل، بزرگ‌ترین انتقاد به بان را فقدان کاریزما، چابکی فکری و خلاقیت می‌دانند؛ اما به گفته آنان، بان پشتکار خوبی داشت. این گزارش تلاش بان کی مون در بحث تغییرات آب‌وهوایی را از دستاوردهای او دانست؛ زیرا بدون حضور بان هیچ توافقی دراین‌زمینه حاصل نمی‌شد.

اکنون بدون بان کی مون و هم‌زمان با روی‌کارآمدن دولت جدید در آمریکا، تهدیدهایی جدی پیش روی توافق اقلیمی پاریس قرار گرفته؛ زیرا ترامپ بر موضوع رقابت با چین و کارآمدسازی صنعت آمریکا تمرکز کرده است.

وب‌سایت خبری «گلوبال نیوز» کانادا نیز در آخرین روز سال گذشته میلادی در بررسی کارنامه بان با تکرار اعتراف تلخ بان کی مون نوشت: بزرگ‌ترین شکست یا مایه تأسف در دوره کاری دبیرکل سابق، ادامه بحران در سوریه است.

گلوبال‌نیوز ناتوانی سازمان ملل در کنترل بیماری وبا در هاییتی و واردشدن اتهام سوءاستفاده جنسی به صلح‌بانان سازمان ملل در جمهوری آفریقای مرکزی را از نقاط تاریک دوره دبیرکلی بان دانست. از سوی دیگر، حضور ۱۹۷ کشور در توافق اقلیمی پاریس از موفقیت‌هایی بود که بان در شکل‌دهی همکاری جهانی برای کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی به نام خود ثبت کرد.

نقطه تاریک دیگر در کارنامه بان کی مون، حذف نام عربستان از فهرست سیاه ناقضان حقوق کودک بود. در ژوئن سال جاری، سازمان ملل به دلیل اقدام ائتلاف سعودی حمله به یمن به کشتار صدها زن و کودک، عربستان را ناقض حقوق کودکان دانست؛ اما بان به خاطر تداوم دریافت کمک‌های مالی از عربستان، نام این کشور را از فهرست یادشده خارج کرد؛ اقدامی که به نوشته بسیاری از رسانه‌ها در آن زمان، با فشار گسترده عربستان و متحدانش انجام گرفت و انتقاد مجامع حقوق‌بشری و نیز رسانه‌ها را در پی داشت.